

تحلیل علمی چگونگی خلقت حضرت عیسی علیه السلام در قرآن از منظر علم ژنتیک

معصومه وحیدی^۱

چکیده

شبهه طول عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و همراهی حضرت عیسی علیه السلام مسیح علیه السلام با ایشان از شبهات پرتکراری است که بررسی علمی در راستای پاسخ گویی به این نوع شبهات ضروری به نظر می رسد. مقاله پیش رو اولین اقدامات مبنایی بوده و درصدد اثبات ولادت حضرت عیسی علیه السلام مسیح علیه السلام با تطبیق شریعت و یافته های علمی دنیااست. از آنجا که منشأ مادی به وجود آمدن یک انسان براساس روال معمول و طبیعی آن توسط یک زن و یک مرد است برای عده ای این ذهنیت به وجود آمده که تولد حضرت عیسی علیه السلام خارج از قانون طبیعت صورت گرفته است درحالی که هیچ چیزی حتی معجزات الهی نمی تواند خارج از قواعد کلی و قوانین طبیعت اتفاق افتد. پژوهش حاضر درصدد اثبات این است که تولد آن حضرت در چارچوب قوانین طبیعی، اما نه به شکل معمول و عادی آن صورت گرفته است. نص صریح قرآن دلالت دارد بر اینکه حضرت عیسی علیه السلام از مادری باکره و بدون پدر به اذن و اراده الهی و با قدرت کلمه «کن فیکون» خدا متولد شده است. نتیجه مطالعات علم ژنتیک اثبات می کند که این تولد با اسباب غیرعادی، اما به صورت طبیعی و در چارچوب نظام تکوین صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: ژنتیک، تفسیر المیزان، حضرت عیسی علیه السلام، مهدویت، ولادت عیسی علیه السلام مسیح علیه السلام.

۱. دانش پژوه دکتری اندیشه معاصر مسلمین به زبان انگلیسی، از کشور افغانستان. مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

نام حضرت عیسیٰ علیه السلام در گفتمان مهدویت، واژه‌ای کلیدی است و ایشان در عصر ظهور همراه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌آید. بنابراین، شبهه چگونگی خلقت و تولد ایشان بررسی می‌شود. نص صریح قرآن دلالت دارد بر اینکه حضرت عیسیٰ علیه السلام از مادری باکره و بدون پدر متولد شده است. حال آنکه برای تولد هر انسانی نیاز به یک زن و مرد است. تحقیقات ژنتیکی نشان می‌دهد که انسان می‌تواند بدون وجود پدر و فقط از مادر به دنیا آید که بنابر نص صریح قرآن به اذن و اراده الهی و کلمه «کن فیکون» خدا صورت می‌پذیرد. برای به دست آوردن چگونگی خلقت حضرت عیسیٰ علیه السلام در قرآن از تفسیر المیزان که دقیق‌ترین و بهترین تفسیر تا به امروز است استفاده شده است. تحقیق حاضر درصدد اثبات امکان خلق حضرت عیسیٰ علیه السلام آن گونه که قرآن توصیف کرده از منظر علم ژنتیک است. همچنین چگونگی این تولد خاص تا حدودی از منظر این علم به صورت احتمالی و با نام فرضیه بررسی می‌شود. سؤال اینجاست که علم ژنتیک درباره خلقت حضرت عیسیٰ علیه السلام بدون پدر و آن گونه که قرآن خبر داده است چه توجیهی دارد. تفسیر المیزان درباره شیوه خاص تکوین و خلق حضرت عیسیٰ علیه السلام چه می‌گوید. تولد حضرت عیسیٰ علیه السلام به اراده الهی و با اسبابی غیرعادی صورت گرفته که ممکن است مانند دیگر موضوعات و اعجازهای علمی قرآن با پیشرفت علوم روشن شود.

۲. پیشینه تحقیق

در این باره تحقیقاتی صورت گرفته است از جمله: مقاله تولد حضرت عیسیٰ علیه السلام از مادر باکره (مرکز پاسخ‌گویی به سؤالات دینی، ۱۳۹۱) و مسیح عیسی بن مریم رسول الله می‌آید (نوشته محمدرضا طباطبایی، ۱۳۸۷)، مروری بر مبانی علم ژنتیک در قرآن کریم (حسین قاسم‌نژاد، ۱۳۸۸) که به طور مستقل این موضوع را بررسی نکرده است، اما ژنتیک انسانی را به صورت اشاره و در موضوعات دیگر قرآن ذکر کرده است. در تعدادی از کتب عربی و فارسی که در زمینه تفسیر و

اعجاز علمی قرآن است فقط موضوعات پزشکی و ژنتیک گیاهی مثل زوجیت گیاهان و مباحث مربوط به جنین یافت شد. در کتب جنین شناسی قرآن نیز این موضوع یافت نشد.

۳. مفهوم شناسی

خداوند متعال همه موجودات را زوج آفریده و از این راه بقای موجودات را تثبیت کرده است چنان که در قرآن نیز ذکر شده است. در عالم طبیعت که مسخر خدا و تحت قوانین الهی است نمونه‌هایی غیرعادی از خلقت بشر مشاهده می‌شود که در قرآن نیز آمده است مانند تولد حضرت عیسی علیه السلام بدون هیچ پدری. این موضوع که قابل بررسی در علم ژنتیک است بشر را بیش از پیش به سمت تفاسیر علمی و میان رشته‌ای قرآن سوق می‌دهد؛ زیرا از این راه هم به اسرار طبیعت پی می‌برد و هم اعجاز علمی قرآن واکاوی و اثبات می‌شود.

۳-۱. زکی

زکی، هر چیز پر نمو و شایسته و بته‌دار است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۴/۱۳)

۳-۲. مس بشر

به قرینه اینکه در مقابل زنا^۱ قرار گرفته کنایه از نکاح است و این در ذات خود اعم است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴۱/۱۴)

۳-۳. ژن شناسی یا ژنتیک

ژنتیک بخشی از دانش زیست شناسی است که به وراثت و تفاوت‌های جانداران می‌پردازد. با قوانین و مفاهیم موجود در این علم می‌توان به همانندی یا ناهمانندی دو اندامگان نسبت به یکدیگر پی برد و دانست که چگونه و چرا چنین همانندی یا ناهمانندی در داخل جامعه گیاهی و یا جامعه جانوری به وجود آمده است. دانش ژن شناسی، دانش جابجایی داده‌های زیستی از

۱. در آیه شریفه با تعبیر «بغیا» آمده است.



یک یاخته به یاخته‌ای دیگر و یا از پدر و مادر به نوزاد و نسل‌های آینده است. ژن‌شناسی با چگونگی این جابجایی‌ها که باعث نشانگان‌ها، دگرگونی‌ها و همانندی‌ها در اندامگان‌ها است سروکار دارد. دانش ژن‌شناسی، سرشت فیزیکی و شیمیایی این داده‌ها نیز بررسی می‌کند. (بی‌نا، ۲۰۲۴)

۴. معنی‌شناسی آیات خلقت حضرت عیسی علیه السلام

قرآن کریم بشارت فرزنددار شدن را در دو ماجرای مشابه مربوط به پیامبران الهی که امکان آن وجود نداشت به دو صورت بیان کرده است: بشارت ملائکه به فرزنددار شدن حضرت زکریا که با تعبیر «فعل» آمده است: «قَالَ رَبِّ اَنِّیْ یَکُوْنُ لِیْ غُلَامٌ وَ قَدْ بَلَغَنِی الْکِبَرُ وَ اِمْرَاَتِیْ عَاقِرٌ قَالَ کَذٰلِکَ اَللّٰهُ یَفْعَلُ مَا یَشَآءُ» (آل عمران: ۴۰) و بشارت ملائکه به فرزنددار شدن حضرت مریم علیها السلام که با تعبیر «خلق» آمده است: «قَالَتْ رَبِّ اَنِّیْ یَکُوْنُ لِیْ وَلَدٌ وَ لَمْ یَمَسَّ سِنِیْ بِسَرٍّ قَالَ کَذٰلِکَ اَللّٰهُ یَخْلُقُ مَا یَشَآءُ اِذَا قَضٰی اَمْرًا فَاِنَّمَا یَقُوْلُ لَهُ کُنْ فَاَیْکُوْنُ» (آل عمران: ۴۲ و ۴۵ و ۴۷).

چرا با وجود تشابه دو ماجرا دو پاسخ متفاوت در کار است؛ زیرا در ماجرای حضرت زکریا عوامل طبیعی برای پیدایش فرزند وجود داشت و فقط موانعی بر سر این امر در کار بود. تکوین نوع بشر به طور طبیعی از پدر و مادر است و هر انسانی به طور طبیعی باید پدر و مادر داشته باشد. در این مورد هم حضرت یحیی پدر و مادر داشت، ولی حضرت زکریا پیر و همسرش نازا بود. بنابراین، موانعی بر سر راه این مسیر طبیعی در کار بود. در این مورد - کبر سن و عاقر - تعبیر «فعل» مناسب است نه «خلق». در این مورد خدا در جریان طبیعی خلقت، کاری را انجام می‌دهد و موانع را از میان برمی‌دارد. «فعل» بعد انجام کار را در کانون توجه قرار می‌دهد. در ماجرای تولد حضرت عیسی علیه السلام روال طبیعی تکوین در کار نیست. خدا در این مورد خلق می‌کند نه اینکه در جریان طبیعی آفرینش دست می‌برد و موانع را از میان برمی‌دارد. در نتیجه، تعبیر مناسب با این بافت، «خلق» است نه «فعل». «خلق» به شیوه ایجاد امر موردنظر اشاره دارد (قائم‌نیا، ۱۴۰۲، ص ۱۹۴).

۵. تولد حضرت عیسیٰ علیه السلام در تفسیر المیزان

قرآن جاودانه و جهانی است و مخاطبان آن به وسعت تاریخ بشریت است. بنابراین، باید ترتیب فعلی آن مدنظر قرار گیرد نه ترتیب نزول آن. از همین رو، آیات سوره آل عمران با آنکه بعد از سوره مریم نازل شده اند ابتدا بررسی می شود؛ زیرا در ترتیب فعلی قرآن بر سوره مریم مقدم شده است. در تفسیر المیزان ذیل آیات تولد حضرت عیسیٰ علیه السلام نکات ذیل آمده است:

کَلِمَة: خود عیسیٰ علیه السلام است؛ زیرا عیسی کلمه ایجاد است یعنی، مصداق کلمه «کن» و اگر خصوص عیسی علیه السلام را کلمه خوانده با اینکه هر انسانی و بلکه هر موجودی مصداقی از کلمه «کن» تکوینی است برای این بود که ولادت سایر افراد براساس مجرای اسباب عادی و مألوف صورت می گیرد، نطفه مرد با عمل نکاح به نطفه زن می رسد و عوامل مقارن با این عمل دست به کار می شوند تا فرزند متولد شود. به همین دلیل ولادت را مستند به عمل نکاح می کنند همان طور که سایر مسببات را به اسبابش مستند می کنند و چون انعقاد نطفه عیسی علیه السلام از این مجرا نبود و پاره ای از اسباب عادی و تدریجیه را نداشت هستیش مستند به صرف کلمه تکوین بوده بدون اینکه اسباب عادی در آن دخالت داشته باشد، پس عیسی خود کلمه است و آیه «وَكَلِمَتُهُ أَلْفَاها إِلَى مَرْيَمَ وَ رُوحٌ مِنْهُ» (نساء: ۱۷۱) و نیز آیه «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ، كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ، ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران: ۵۹) مؤید این معناست (طباطبایی، ۱۳۸۷، ۱۹۳/۳).

-تعبیر حضرت مریم از بشارتی که آیه آن را ذکر می کند بدین دلیل بود که چگونه فرزندان می شود حال آنکه قبل از این نه ازدواج کرده نه زنا. همچنین سیاق این معنا را می رساند که مریم از کلام جبرئیل که گفت: «تا پسری به تو ببخشم» فهمیده که این پسر را در همین حال می بخشد. بنابراین، گفت: «هیچ بشری با من تماس نگرفته و زنا کار هم نبوده ام» و در این جمله فهماند که فرزندان شدن من الان منوط به این است که چند ماه قبل، نکاح یا زناهی صورت گرفته باشد و حال آنکه صورت نگرفته است.

- حضرت مریم پس از آنکه به کنار تنه درخت خرمايي روی آورد تا وضع حمل کند از خجالت و شرمش از مردم گفت: «ای کاش! قبل از این مرده بودم و "نسی" یعنی، چیزی غیرقابل اعتنا بودم که فراموش می‌شدم تا مردم درباره‌ام حرف نمی‌زدند که به‌زودی خواهند زد».

- ضمیر فاعل در جمله «ناداها» به عیسی علیه السلام برمی‌گردد به دلیل ظاهر سیاق که از این قرار است: اول اینکه، قید «مِنْ تَحْتِهَا» چون با حال مولود نسبت به مادرش هنگام وضع حمل مناسب‌تر است. دوم اینکه، برگشتن ضمیر در جمله قبل و بعد به عیسی علیه السلام برمی‌گردد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴۲/۱۴)

«كَذَلِكَ» در سوره مریم یعنی، «واقع مطلب همین است که گفتیم و در این بشارت هیچ شکی نیست» و علت آن در جمله بعد آمده است: «قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّئْ». با این جمله هر استعجابی برطرف می‌شود و می‌رساند که هیچ مرادی از اراده او تخلف نمی‌پذیرد و امر او چنین است که وقتی اراده چیزی کند بگوید: «باش» و می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۷/۱۴)

نفی فرزند بودن عیسی علیه السلام برای خدا نیز با این تقریر در قرآن آمده است: «إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». در آیه ۳۵ سوره مریم می‌فرماید: «مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». گفتار نصاری درباره فرزند بودن مسیح برای خدا ابطال و نفی شده و جمله «إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ» حجتی است که بر این معنا اقامه شده است و اگر به لفظ «قَضَى» تعبیر شده برای این است که بر علت و ملاک مسئله یعنی، محال بودن فرزندی مسیح برای خدا دلالت کند؛ زیرا فرزندان را شدن به دلیل این است که فرزند، انسان را در حوایج زندگی کمک کند، ولی خدای سبحان بی‌نیاز از کمک است. او هیچ وقت خواسته‌اش از خواستش تخلف نمی‌کند و مرادش از اراده‌اش عقب نمی‌افتد. او هر قضایی که می‌راند تنها مایه‌اش این است که بگوید: «کن» و نیز فرزند، خود جزئی از اجزای وجود والد است که از او جدا می‌شود و با تربیت تدریجی به صورت فرد جداگانه‌ای مانند خود او درمی‌آید و خدای سبحان از اینکه در کارهایش متوسل به تدریج شود بی‌نیاز است. همچنین مثل و ماندنی ندارد، بلکه

آنچه اراده کند همان طور که اراده می کند و بدون کمترین مهلت و تدریج موجود می شود بدون اینکه شباهتی به او داشته باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴۸/۱۴)

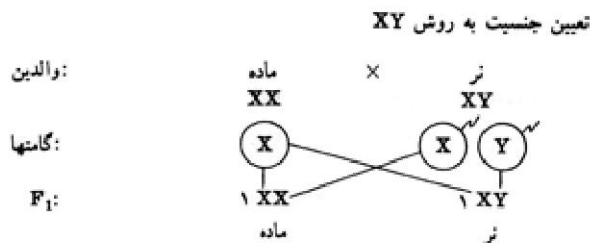
نتیجه بحث المیزان آن است که چون انعقاد نطفه عیسی علیه السلام با آمیزش یک مرد و زن نبوده و پاره‌ای از اسباب عادی و تدریجیه را نداشته است قهراً هستیش مستند به صرف اراده الهی و کلمه تکوین بوده بدون اینکه اسباب عادی در آن دخالت داشته باشد. غیرعادی بودن آن را می توان از تعبیر مادرش حضرت مریم نیز به دست آورد که به دلیل این واقعه، آرزوی فراموش شدن داشت. همچنین به دلایل بسیار عقلی، نقلی و علمی، حضرت عیسی علیه السلام فرزند خدا نیست، بلکه تنها فرزند حضرت مریم و بدون پدر است.

۶. تولد حضرت عیسی علیه السلام از نظر علم ژنتیک

روال عادی در طبیعت برای تولد انسان از راه آمیزش زن و مرد و با ترکیب نطفه طرفین (اسپرم و اوول) در رحم زن اتفاق می افتد، ولی این دلیل بر این نیست که سایر راه‌هایی که برای ایجاد و تولد یک انسان وجود دارد خارج از قوانین طبیعت باشد؛ زیرا از سویی برای تولد انسان به طور حتم نیاز به قرابت مرد به زن نیست، بلکه به هر طریقی نطفه مرد به رحم زن در شرایط مساعد منتقل شود این باروری اتفاق می افتد. برای مثال به رحم زن تزریق شود. دوم اینکه، حتی بدون نیاز به وجود یک زن نیز می توان با قرار دادن نطفه بارور شده در بیرون و منتقل کردن آن به بدن یک مرد یک انسان را پرورش داد و متولد کرد؛ سوم، باتوجه به رشد علم در زمینه علم ژنتیک و سلول‌های بنیادین برخلاف قواعد طبیعی و با اتکا بر همان قوانین موجود در طبیعت می توان بدون نیاز به دو نفر و با پرورش یک سلول از بدن زن و یا مرد فردی را مشابه او کپی کرد. اینها همگی نشان‌دهنده این مطلب است که برخلاف جریان طبیعی حاکم بر جهان خلقت، ظرفیت‌های دیگری در دنیای طبیعت به صورت ناشناخته برای تولد انسان وجود دارد که نمی توان به صرف عدم باور آنها در گذشته ادعا کرد که برخلاف قوانین طبیعت رخ داده‌اند.

۱-۶. مکانیزم کروموزومی جنسی انسان

در انسان و در همه پستانداران دیگر، وجود کروموزوم Y گرایش به نرینگی را تعیین می‌کند. نرهای طبیعی از نظر کروموزومی XY و ماده‌های طبیعی XX هستند. این خصوصیت سبب می‌شود که نسبت جنسی در هر نسل ۱:۱ (نسبت ۱:۱ ناشی از نحوه پخش کروموزوم‌های X و Y در اسپرم و تخمک است) باشد. از آنجاکه جنس نر دو نوع گامت که از نظر کروموزوم‌های جنسی متفاوت هستند تولید می‌کند آن را جنس هتروگامتیک می‌نامند و جنس ماده که فقط یک نوع گامت تولید می‌کند، جنس هموگامتیک است. این‌گونه تعیین جنسیت را روش XY می‌نامند.



درواقع برای تشکیل یک جنین انسانی نیاز به ادغام یک اسپرماتوزوئید مرد با یک اووم (تخمک) زن است که هرکدام ۲۳ کروموزوم و در مجموع ۲۳ جفت (۴۶) کروموزوم انسانی را تشکیل می‌دهند. اگر کروموزوم جنسی انتقالی توسط اسپرماتوزوئید X باشد جنین مؤنث، ولی اگر Y باشد جنین مذکر خواهد بود، ولی برخی مواقع چند اووم یا تخمک درون رحم قرار می‌گیرد و چندین فرزند به دنیا می‌آید. اینک این سؤال مطرح می‌شود که اگر بتوان دو اووم یا تخمک زن را با هم ادغام کرد چه اتفاقی می‌افتد. چنین به نظر می‌رسد که با ترکیب این دو اووم دودست کروموزوم ۲۳ تایی با هم زوج شده و چون هردو کروموزوم جنسی X است، پس یک جنین مؤنث تشکیل شده و یک دختر متولد می‌شود. اگر بتوان یکی از این کروموزوم‌های جنسی X را به Y تبدیل کرد جنین مذکر بوده و یک پسر متولد خواهد شد. در مورد حضرت مریم علیها السلام و فرزندش عیسی علیه السلام همین اتفاق روی داده است و کننده این کار جبرئیل (روح القدس) بوده است، البته به خواست و فرمان خداوند متعال. (ر.ک.، مریم: ۱۶ و ۳۷)

می‌توان چنین فرض و تصور کرد که عکس عمل میوز اتفاق افتاده است و با ادغام دو سلول جنسی (اووم یا تخمک) یک سلول انسانی کامل پدیدار شده است، پس می‌توان به راحتی نتیجه گرفت که حضرت عیسی علیه السلام فرزند مادر و اجدادش یعنی، آل عمران، ابراهیم، نوح و آدم بوده است. علم ژنتیک و وراثت این مسئله را ثابت و تأیید می‌کند چنان که در آیات قرآن آمده است: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ. ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (آل عمران: ۳۳ و ۳۴) و «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَ إِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَ الْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ. ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ بِرُؤُسِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (حدید: ۲۶ و ۲۷).

انسان دو دست کروموزوم دارد که یک دست آن از مادر و دست دوم از پدر به ارث می‌رسد. کروموزوم جنسی X که در رحم مریم تبدیل به Y شده است پدری بود. حضرت عیسی علیه السلام از نسل و نژاد ابراهیم حبیب الله است؛ زیرا همین کروموزوم‌ها از ابراهیم، نسل اندر نسل به پدر مریم یعنی، عمران و همچنین خود مریم منتقل شده است. این موضوع که حضرت عیسی علیه السلام از فرزندان ابراهیم است به صراحت در برخی از اناجیل نیز مکتوب است. جبرئیل رسول الله این کار ادغام دو اووم یا تخمک و تغییر کروموزوم جنسی را چگونه انجام داده است: «آیا خبر میهمان‌های گرامی داشته شده ابراهیم به تو رسیده است هنگامی که بر او وارد شدند پس گفتند: سلام! (ابراهیم) گفت: سلام! (شما) گروهی ناشناخته (اید)، پس به سوی خانواده‌اش روی کرد و گوساله فربه (بریان شده‌ای) آورد و آن را به ایشان نزدیک کرد (و) گفت: آیا (غذا) نمی‌خورید، پس از آنان (در دل) احساس ترس کرد. فرشتگان گفتند: نترس و او را به پسری دانا مژده دادند و زنش درحالی که فریاد می‌کشید روی آورد و به صورتش زد و گفت: چگونه من می‌زایم درحالی که) پیرزنی نازا هستم. فرشتگان گفتند: پروردگارت چنین گفته است؛ زیرا او خود فرزانه و داناست» (ذاریات: ۲۴ و ۳۰).

انسان زیرمجموعه‌ای از کل پیکره ملائکه است و تمام فعالیت‌های بیولوژیک او در دست آنهاست از جمله میتوز و میوز. ملائکه به راحتی توانسته‌اند عقیمی و نازایی حضرت ابراهیم و همسرش را برطرف کنند؛ زیرا فرمان زوجیت در دست آنهاست. ازاین‌رو، جبرئیل به راحتی توانسته است دو اووم (تخمک) مریم را در هم ادغام و یک کروموزوم جنسی او را تغییر دهد و جنین حضرت عیسی علیه السلام شروع به رشد و نمو کرده است. ملائکه می‌توانند به تمام ذرات و ترکیبات و... فرمان دهند. (طباطبایی، ۱۳۸۷) از توضیحات مطرح شده مشخص می‌شود که تولد حضرت عیسی علیه السلام در چارچوب قوانین طبیعت، اما نه از راه معمول آن بوده و خواست و اراده خدا به آن تعلق گرفته است که ایشان تنها از مادر و با تغییراتی در کروموزوم‌ها متولد شود.

۷. نتیجه‌گیری

یکی از شخصیت‌های مهمی که در دکتین مهدویت با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور همراه است حضرت عیسی علیه السلام مسیح علیه السلام است. شبهات پیرامون حیات ایشان نیز همیشه آمیخته با شبهات مهدویت بوده است. علم ژنتیک تاحدودی و به‌طور احتمالی چگونگی تکوین حضرت عیسی علیه السلام را بدین توضیح که تغییر و تبدلی در کروموزوم‌های ایشان صورت گرفته است، بیان و اثبات می‌کند که ایشان تنها از مادر متولد شده و از نسل و نژاد حضرت ابراهیم و عمران علیه السلام است همان‌گونه که قرآن توصیف و المیزان بیان و تفسیر کرده است. از نظر تفسیر المیزان و علم ژنتیک این تولد از راه اسباب غیرعادی، اما به صورت طبیعی و در چارچوب نظام تکوین صورت گرفته است.

فهرست منابع

- * القرآن الکریم (۱۳۸۸). مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. بی نام (۱۳۹۱). <http://www.pasokhgoo.ir/node/77512>.
۲. قاسم‌نژاد، حسین (۱۳۸۸). مروری بر مبانی علم ژنتیک در قرآن کریم. مشاهده شده در: http://www.iqna.ir/fa/news_detail.php?ProdID=387207
۳. طباطبایی، محمدرضا (۱۳۸۷). مسیح عیسی بن مریم رسول الله می آید. مشاهده شده در: www.ki2100.com 28-07-2024
۴. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۰). معنی‌شناسی شناختی قرآن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.